



فبروری / ۰۴ / ۲۰۱۳

هاشم انوری

موسیقی از دیدگاه تیکه داران جهاد افغانستان و سیاست یکبام و دو هوا

بعد از سقوط طالبان و تشکیل دولت انتقالی، بعداً مؤقت و بلاخره انتخابی، به رهبری حامد کرزی، یکجا با اشتراک و ائتلاف های نامقدس تنظیم های جهادی (مالکین و تیکه داران اداره و کنترول افغانستان) در پهلوی نیازمندیهای عمده و اولیه جامعه ما چون (تأمین امنیت، تأمین عدالت، پیشرفتهای اقتصادی، خدمات صحیه و تعلیم و تربیه) به این فکر بودم که آیا جایگاه هفت شهر هنر از انجمله موسیقی از دیدگاه این تیکه داران جهاد و دکانداران دین، در رأس شورای عالی علمای اسلامی (که اگر از واقعیت نگذریم، به جز زن ستیزی و یکسلسله اوامر و دساتیر پیش پا افتاده که در این قرن ۲۱ هیچ دردی از درد های مردم افغانستان را دوا نمیکند، کدام برنامه دیگر ندارند، و از اختیارات فوق العاده هم در شرکت سهامی کرزی برخوردار هستند)، در رابطه به موسیقی چه خواهد بود؟

اما تا جائیکه دیده میشود دوکانداران دین و مذهب، موسیقی و دیگر هنر های زیبا را از ترس باداران خارجی شان به مقایسه دهه ۹۰ میلادی، به نوعی مجاز دانسته اند، که نشود خدانخواستہ معاشات دالری شان قطع شود، و یا موقعهای اجتماعی و دولتی شان از دست برود، در غیر آن، تا جائیکه به همه ما معلوم است، این پیروان مدارس آدمگشی و تعصب پاکستانی مانند آخوند های حریص و عقبگرای ایرانی که جز تلاش بازگشت به گذشته چیزی به سر ندارند، و جزیتزین علاقه بیک آینده والا و مرفه برای نسلهای آینده بسر نمی پروراندند، بهیچ وجه اجازه نمیدادند که هنرمندی آنها از طبقه انات روی پرده تلویزون ظاهر شود و یا در محفلی صدای خود را بلند کند. عکس ۲۰ سال قبل رهبران تنظیمهای جهادی با قیافه های دیدنی شان که تنها در آنزمان به دهل ایران و پاکستان میرقصیدند، اما امروز هوشیار شده اند و به خاطر منفعت و حفظ قدرت به هردو دهل هم شرقی و هم غربی میرقصند.



از چپ بر راست: آصف محسنی رهبر حرکت اسلامی، عبدالکریم خلیلی رهبر حزب وحدت، محمد نبی محمدی حرکت انقلاب اسلامی، گلبدالدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی، برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی، عبدالرسول سیاف رهبر اتحاد اسلامی و گیلانی رهبر معاذ ملی اسلامی، مارچ سال ۱۹۹۳ در اسلام آباد در انتظار دستور از جانب باداران پاکستانی شان.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

بلی، زور کاکاست که انگورا ده تاکاست، که هفتمین جشنواره تلویزیون آریانا به سلسله برگزاری جشنواره های قبلی، که از چند سال بدینسو در موجودیت همین دکانداران که دین و مذهب مردم را در انحصار خود گرفته اند، برگزار میگردد، امسال هم به ابتکار و خلاقیت محترم احسان الله بیات بروز دوشنبه ۲۱ جنوری ۲۰۱۳ در شهر مقبول دهلی برگزار، و تعداد کثیری از هنرمندان و هنردوستان موسیقی افغانی را از سرتاسر جهان دعوت و گرد هم آورده، تا بتواند با این ابتکار بینظیر استعداد های هنری موسیقی ما را تشویق، و از سوی دیگر مانع آن گردد تا موسیقی اصیل افغانی ما بدست فراموشی سپرده نشود، و در قدم سوم موسیقی و فرهنگ ما به دنیای بیرون معرفی گردد.

ضمناً قابل یادآوریست که گروه از جوانان افغان به رهبری استاد احمد ناصر سرمست که مربوط انستیتوت موزیک افغانستان هستند باز از زیر ریش همین متعصبین گذشته و مع الخیر عازم ایالات متحده امریکا شدند، تا موسیقی افغانستان را از تاریخ ۳ الی ۱۵ فیبروری ۲۰۱۳ در پایتخت قدرتمند ترین کشور دنیا یعنی شهر واشنگتن و دو شهر دیگر امریکا به گوش جهانیان برسانند، و همچنان منحصرت یک پل فرهنگی کشور ما را به جهانیان معرفی بدارند که افغانستان منبع تروریزم و انتهار نیست.

اما خبریکه بتاریخ ۱۳/۲/۲ توسط رادیوی آزادی به نشر رسید، چنین مینگارد که در ماه سپتمبر سال ۲۰۱۲ وزارت کار و امور اجتماعی که در رأس آن خانمی به اسم آمنه افضلی مصروف وظیفه است، به خانه امن که از اطفال یتیم و دیگر اطفال مظلومیکه حیات شان در خطر است سرپرستی مینماید فرمان داده که اطفال این مؤسسه دیگر اجازه ندارند درس موسیقی بخوانند، بجای آن مسائل اسلامی تدریس شود. واصل نور مهنند معین وزارت کار و امور اجتماعی که این فرمان را امضاء نموده، به روزنامه والستریت ژورنال گفته که غیر از سرود ملی و آهنگهای میهنی، موسیقی مردم را به فساد و برضد اسلام و سوسه میکنند. واصل نور مهنند گفته که "افغانستان یک کشور اسلامی بوده، ما میخواهیم اطفال ما به شیوه اسلامی بزرگ شود" ایکاش شمه ازین فتوا بالای شخص معین صاحب و فامیلش تطبیق میشد.

جای تأسف است در وزارتتی که در رأس آن یک زن ویا به عباره دیگر یک مادر به اسم آمنه افضلی قرار دارد، چگونه چنین فرمان صادر میگردد، زمانیکه دختران خانه امن به سن ۱۸ سالگی میرسند، باید خانه امن را ترک گویند، اما خانم افضلی بدون اینکه به این مسئله دقت کند، که این دختران که تعداد شان به ۱۱ نفر میرسد و از بی سرپرستی، جبر زمانه و ناامنی مناطق شان دور از آغوش گرم والدین در این خان پناه آورده اند بکجا بروند و در آن سن بلوغیت به کی پناه ببرند. در جمله این ۱۱ نفر، دختری ۱۳ ساله به اسم لیلا نبی زاده است که مربوط ولایت بی امن نورستان میباشد، و در جمله ارکستر افغانی عازم امریکا شده، اما در بازگشت بوطن این طفل ۱۳ ساله از تهدیداتی که در آینده منتظرش است به تشویش میباشد، که سرنوشت و دست بیرحم روزگار با او چه خواهد کرد.

البته برگزاری اینگونه محافل و جشنواره ها که موجب خوشی و سرگرمی هموطنان، مخصوصاً جوانان کشور میگردد، مورد تائید و تمجید اکثریت مردم افغانستان مخصوصاً نسل جوان چه در داخل و چه در خارج از کشور قرار گرفته و میگیرد، در حالیکه هستند عده که به دسترخوان های پاکستان و ایران بزرگ شده اند، صرف به خاطر بقای زندگی ننگین و شرمآور خود و بادران شان فکر میکنند و بس، و با این نوع مجالس و جشنواره ها سخت مخالف اند و آنرا مغایر دین مبین اسلام میدانند. اما از ترس چیزی گفته نمیتوانند، چقدر سخته خدایا!

خدا را شکر که این دکانداران دین، سران تنظیمها، قوماندانهای آدمخوار و غیره متظاهرين که به خلوت میروند آن کار دیگر میکنند، آنقدر خوار، ذلیل و بی حیثیت شده اند که نمیتوانند آن سیاستهای دهه ۹۰ خود را بالای مردم افغانستان خاصاً نسل جوان تطبیق کنند، همین پیروان مکاتب تعصب بودند که بعد از شکست دولت خلقی و پرچمی و پیروزی مجاهدین واقعی که امروز در این جهان وجود فزینگی ندارند، کابل را به مخروبه تبدیل کردند، آثار و آبدات تاریخی را به بادران پاکستانی و ایرانی خود تحفه دادند، سینما ها را به بستر شیاروزی معتادین مواد مخدره مبدل ساختند، تلویزیونها را بدار آویختند، سامان و آلات موسیقی اصیل ما را شکستاندند، که فلم مستند بی بی سی از زبان همشهریان کابل و یکعده از هنرمندان مانند مرحوم عزیز غزنوی و محترم نیریز شاهد این ادعا است.

همین چهره های جاسوسی و مرموز خارج بود که با فتاوی امرونی کنسرت هنرمند محبوب شفیق مرید را در ۳۱ اسد سال جاری در شهر زیبا، باستانی و هنرپرور هرات لغو کردند، و لجوجانه بعضی ازین فرهنگ ستیز ها بدستور آخندهای ایرانی، بعد از لغو کنسرت شفیق مرید به اینگونه اعمال اسرار نمودند که گویا لغو کنسرت شفیق مرید بخاطر حفظ ارزشهای ملی و اسلامی بوده تا از فحشاء جلوگیری بعمل آمده باشد. در حالیکه در بقیه تلویزیونهای افغانی آهنگهای همین هنرمند، و هنرمندان دیگر افغانی، ایرانی، هندی، ترکی و غربی همواره به نشر میرسند، و هیچکدام منبعی نیست که از نشر آنها جلوگیری نماید و یا فتوا غیراسلامی بودن را بالای اینها صادر کند. پس ازین معلوم میشود که گپ جای دیگر است.

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی



Kabul, ۱۹۹۳: The vandal jihadi groups related to Ahmad Shah Masood piled books in order to set them ablaze in Kabul University. By burning thousands of books and destroying our cultural and material values, the ignorant jihadists and Taliban proved themselves as the most corrupt, obscurantist and medieval-minded elements in the whole history of human being.

حال سوال از علمای کرام، پلّوخورانیکه در کابل به اطرف کرزی حلقه زده اند و از پولهای باد آورده غیرمسلمانان امرار حیات، و خانواده های خود را با همین پولها پرورش میدهند، این است که اگر موسیقی در اسلام مجاز نیست، پس چرا سیاست یکبام و دو هوا در افغانستان حکمفرماست، که یکی را با اجراء کنسرت به کفر، الحاد و فحشاء محکوم میکنید، و دیگری که زور و واسطه دارد ازین قوانین میرا است، هم کنسرت میدهد، هم دارای قدر و قیمت است و هم از طرف اراکین بلند رتبه همین دولت فاسد که فاقد یک سیاست روشن در همه عرصه های زندگی میباشد، به مهمانیها و ضیافتها دعوت میشود، و با عالمی از تحایف دوباره از کابل پرواز و به کشور دومی خود میرود. و قانون انسان ستیزانه شما مسلمان نما های موقع بین، صرف بالای کسی تطبیق میگردد که دندانهای کثیف تان به جانش فرو رود، در غیر آن صدور فتوا های دروغین و برانت دادن واسطه داران، نزد شما مشکل نیست.

بطور مثال هنرمندان جوان و بااستعداد ما که از دیار غربت یعنی کشور های غربی برای اجرای کنسرت ها عازم وطن میشوند، و با آهنگهای شادی آفرین شان لحظاتی از زندگی جوانان داخل افغانستان را خوشی و مسرت میبخشند، چرا قانون بادران پاکستانی تان بالای اینها تطبیق نمیشود، و از برگزاری این کنسرتها در کابل که پایتخت جمهوری "اسلامی" افغانستان است جلوگیری بعمل نمیآید، که تمام توجه شما پله بینها طرف جوانان بی دفاع داخل کشور است، حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی که از طرف الله سبحان و تعالی برایشان داده شده بدستور بیگانگان (که در شهرهای خودشان چون پنجاب، راولپندی و اسلام آباد فحشاء زیانه کشیده) از آنها میگیرید.

در اخیر میخواهم اینقدر اضافه کنم که تاریخ دنیا قبل از همه تاریخ ستمگریها و مظالم بی پایان است. اما دردآور ترین این فجایع و مظالم استفاده از دین و مذهب است، که زیر این لوا پیروان تعصب، اهداف شوم خود را تا دم مرگ بالای مردم بینوا تطبیق میدارند. همین کوردلان هستند که مانع هر نوع ترقی و پیشرفت میشوند، که مثال روشن کشور ما افغانستان است، چنانکه یکی از مبصرین ایرانی در یک مصاحبه خود در جام جم بی بی سی چنین گفت: "که ایران دیگر این درس را آموخته که برای همیشه رویای تمدن بزرگ را فراموش کند و به داشتن مقامی همپایه کشور هموارش افغانستان اکتفاء نماید". بسیار دردآور بمردم افغانستان، و جای خجالت به دولتمردان افغانستان است!

پایان

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ